

امکان سنجی مطالعه و طراحی مراکز آموزش و نگهداری کودکان کار در بافت آسیب پذیر شیراز

رضوان گودرز: دانشجوی ارشد برنامه ریزی شهری
Rezvan_goodarzi@yahoo.com

چکیده

پدیده کودک کار، بیانگر کودکان در وضعیت دشواری است که ساعات بسیاری را خارج از نهاد های اجتماعی حمایتی در خیابان می گذرانند که در صورت فقدان مراکزی برای نگهداری، آنان در معرض آسیب های فیزیکی، روانی، بهداشتی، اجتماعی و ... قرار می گیرند و چه بسا ممکن است زمینه خطراتی از قبیل خشونت بزه دیدگی، بزهکاری و عوارض ناشی از آن را برای کودکانی که لاجرم در خیابان های شهر، کار و زندگی می کنند به بار آورد. طی سال های اخیر و پس از انقلاب صنعتی این پدیده به موضوع پژوهش های متعدد در سطح جهان تبدیل شده است. بدیهی ست سلامت این کودکان در حال، سبب به وجود آمدن جامعه ای سالم تر در آینده می شود. روش پژوهش به کار گرفته شده در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه ای و مرور نتایج تجارب عملی در ایران و جهان تلاش ها بر رفع این موضوع شده است که بتوان پیشنهادات و انتقاداتی هم مطرح کرد. همانطور که شاهد هستیم کمبود فضای اقامتی مناسب برای این کودکان در شهر کاملاً احساس می شود نیازها و خواسته های این کودکان در راستای بهره بردن از یک زندگی سالم با توجه به روانشناسی کودک و نوجوان از جمله دیدگاه پیازه و هرم مازلو، چندعملکرد در نظر گرفته شده که شامل عملکرد محافظت، عملکرد ارتباط و عملکرد زیبایی شناسانه است. فضای نگهداری و پرورش کودکان کار در زمینه بافت آسیب پذیر شهر شیراز که یکی از سه شهر دارای بیشترین کودکان خیابانی می باشد، پیش بینی مجتمع بزرگ شبانه روزی از ۴ تا ۱۸ سالگی آنان و ادغام آن با سایر عناصر آموزشی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی است. در این مقاله سعی شده با بررسی ابعاد مختلف این موضوع طراحی فضای اقامتی برای این کودکان محیطی سالم و امن فراهم آید که در آن کودکان آسیب دیده بهبود یابند و به گونه ای قادر به ادامه زندگی ای سالم تر و روبه پیشرفت باشند.

کلمات کلیدی: کودکان کار، طراحی، آموزش، نگهداری، بافت آسیب پذیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

صنعتی شدن و به دنبال آن افزایش مهاجرت به شهرها و توسعه یافتن آن، مشکلات و معضلات پیچیده ای را به همراه داشته است. از مشکلات اساسی آن می توان به پدیدار شدن زاغه نشینی و مشکلات آنان اشاره کرد. زاغه ها و جمعیتشان قربانیان مشکلات به نظر بی پایانی هستند که یکدیگر را تقویت می کنند. زاغه ها به مثابه محافلی شورور و آلوده عمل می نمایند. برای غلبه بر زاغه ها، باید زاغه نشینان را همچون مردمی به حساب آورد که قادر به درک منافع خود هستند و بر پایه ان عمل می کنند. (جین جیکوبز- زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا- فصل پانزدهم). در میان این زاغه نشینان که متولی فقر هستند کودکانی متولد می شوند که در آینده ای نه چندان دورشان به کودکان کار و کودکان خیابانی تبدیل می شوند. این کودکان در شرایط بسیار نامطلوب زندگی می کنند که از لحاظ بهداشت، تغذیه و غیره به سر می برند که حتی عامل بالقوه مناسبی برای شیوع بیماری های مختلف از جمله ایدز هستند. عدم بهره گیری از آموزش و تحصیل و زندگی در یک مکان سالم و آرام چه بسا ممکن است آنان را بیمار، بلکه حتی به بزهکاری تبدیل کند که بخاطر شرایط هرگز نتوانند شغل ایده آلی پیدا کنند. طبق تحقیقات بدست آمده، یونسف عوامل عمده ایجاد این پدیده را جنگ و بلایای طبیعی، از هم پاشیدگی خانواده، ایدز و خشونت عنوان کرده است که طرح های بسیاری هم در سراسر دنیا برای مقابله با آن اجرا شده است.

در ایران پدیده نو ظهور و شوم کودکان خیابانی، محصول سیاستگزاری های نادرست، فقدان برنامه ریزیهای مناسب، سوء مدیریتتها، ناهماهنگی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و... است. که موجب شده ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال گذار در معرض این پدیده ناپهنجار قرار گیرد. به عنوان مثال در بخش سیاستهای جمعیتی، رشد جمعیت ایران در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۰ به دو برابر افزایش یافت. و از سال ۵۸ تا ۷۱ رقمی در حدود ۲۵ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده شد که عمده آنها در گروه سنی ۰-۱۴ سال قرار داشتند. به عبارتی دیگر ۲۵ میلیون کودک زیر ۱۴ سال به جمعیت کشور افزوده شد در حالیکه این بخش عظیم، نیازمند غذا، بهداشت، آموزش و پرورش، اشتغال و... هستند. بدیهی است که بدلیل عدم تناسب امکانات جامعه با نیازها و خواسته های این گروه به همراه ضعف های ساختاری و بنیادی موجود در جامعه مانند فرصتهای ناکافی اشتغال، کمبود امکانات آموزشی، کمبود مراکز ورزشی، تفریحی و روند رو به رشد تورم و... موجی از بحرانهای و آسیب های اجتماعی را پدید آورده است که یکی از آنها پدیده کودکان خیابانی است. (رفیعی، ۱۳۸۰). با توجه به این که شهر خانه اصلی این کودکان است و فضاها و زمان های شهری ارتباط و هویت اصلی این کودکان را شکل می دهند، این اصل ضرورت فضایی با استانداردهای مناسب برای زندگی این کودکان و محیطی سالم برای رشد و نمو آنها را مشهودتر می سازد. مجموعه ای کامل که آنان در نهایت آرامش و به دور از دغدغه های فعلی بتوانند به نیرویی مثبت برای جامعه تبدیل شوند و همچنین شهر هم دارای نظم اجتماعی و حتی بصری شود.

پیشینه تحقیق
تاریخچه ساماندهی کودکان خیابانی در ایران

در بهمن ماه سال ۱۳۷۷ طی جلسات متعدد کارشناسی پیش نویس توافق نامه ای در خصوص جمع آوری، پذیرش، طبقه بندی و نگهداری کودکان خیابانی بین معاون امور اجتماعی استانداری، شهرداری تهران، کانون اصلاح و تربیت، بهزیستی استان تهران، اداره سرپرستی دادگستری تهران، معاونت انتظامی امنیتی تهران بزرگ و معاونت دادگستری کل استان تهران تهیه گردید. از مهر ماه سال ۱۳۷۸ در ۱۶ استان کشور طرح «مراکز شناسایی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی» توسط سازمان بهزیستی کشور به مرحله اجرا درآمد. در سال ۱۳۸۰ تعداد مراکز به ۲۱ عدد رسید و ۵۰۵۰ کودک خیابانی در این مراکز پذیرش و ساماندهی گردیدند. البته شهرداری تهران نیز در این سالها مبادرت به تاسیس دو مرکز به نامهای "خانه سبز" مخصوص پسران (در فروردین ماه ۱۳۷۸) و "خانه ریحانه" مخصوص دختران (در مهر ماه ۱۳۷۸) نمود که هدف از راه اندازی آنها جمع آوری کودکان خیابانی دختر و پسر از سطح خیابانها و نگهداری و طبقه بندی آنان بود. اما در سال ۱۳۸۱ این دو مرکز به علت هزینه زیاد تعطیل شدند. با توجه به رشد معضل کودک خیابانی، در اردیبهشت سال ۱۳۸۱ طرحی دیگر تحت عنوان «طرح ساماندهی بیست هزار کودک خیابانی» توسط سازمان بهزیستی کشور تهیه و در شورای اجتماعی تصویب گردید و تا پایان سال ۱۳۸۱ تعداد مراکز در سراسر کشور به ۴۲ مرکز کودکان خیابانی و ۶ مهمانسرای سلامت (پناهگاه) کودکان کار رسید. (خبرگزاری ایسنا- کودکان خیابانی در ایران وجهان). این مطالعه قصد دارد با توجه به شناسایی مناطق آسیب پذیر شیراز، برای اینگونه کودکان در سطح شهر خود با احداث مجموعه ای به دور از اشتباهات گذشته به زندگی این کودکان بهبود بخشد و آینده را هم برای آنان و هم برای شهر رو به پیشرفت سوق دهد چرا که آنان سرمایه های شهر و جامعه هستند.

فعالیت های جهانی برای کودکان خیابانی

آموزش خیابانی روش بسیار مؤثری برای حمایت از بچه های خیابانی به شمار می رود؛ زیرا این کار در محل زندگی آنها انجام می گیرد. آموزش خیابانی می تواند دربرگیرنده اشکال متعددی از فعالیتها باشد. مثلا راهنمایی در مورد آثار زیانبار مواد مخدر یا در مورد پیشگیری از بیماری های مقاربتی، ارتقای سواد و آموزش مهارت های زندگی. سازمان بهداشت جهانی برای بهبود وضعیت بهداشت کودکان خیابانی پروژه ای را در مورد مصرف مواد روان گردان در بین کودکان خیابانی تهیه کرده است. در ابتدا این پروژه در هفت کشور انجام شد و یک مجموعه آموزش شی پیش نویس تهیه شد. بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ این پروژه توسط ۷۰ نفر از متخصصین، مربیان خیابانی، افراد داوطلب و دیگران آموزش داده شد. این مجموعه آموزشی از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول شامل بخش های آموزشی در مورد مصرف مواد، بهداشت جنسی، ایدز و بیماری های مقاربتی است. قسمت دوم نکات آموزشی نامیده می شود. که نظراتی در مورد نحوه آموزش ارائه می کند و در برگزیده اطلاعاتی در مورد موضوعات خاص است. این پروژه به نوبه ی خود نتایج مثبتی را به همراه داشت. هندوستان از جمله کشورهایی است که به شدت به موضوع کودکان خیابانی درگیر است. از این رو سازمانها و نهادهای متعددی در این حوزه فعالیت می کنند که مهم ترین آنها سازمان مراقب کودکان شاغل (CWC) می باشد. معتقد است که مشکل کودکان شاغل را می توان در چارچوب شرایط موجود نیز رفع نمود.

سازمان مراقب کودکان شاغل از سال ۱۹۸۰ در زمینه کار کودک فعالیت داشته است. در اکثر کشورهای جهان برای برخی از کودکان خیابانی که بی خانمان هستند از طرف دولتها یا سازمان های غیردولتی و سازمان های بین المللی سرپناه هایی احداث شده است. یکی از این پناهگاهها، دن بسکو (Don Bosco) است که در کشورهای مختلف جهان از جمله هند فعال است. سرپناه "دن بسکو" در هندوستان، یک مرکز شبانه روزی است که در نزدیکی یکی از ایستگاه های راه آهن بمبئی قرار دارد و کودکان به راحتی می توانند وارد آن شوند. ۷۰ نفر از این کودکان و نوجوانان به خواست خود به مدرسه می روند. پس از رسیدن به سن ۱۴ سالگی،

با توجه به استعداد و علاقه نوجوانان به آن‌ها مهارت‌های مختلفی آموخته می‌شود (نجاری، مکانیکی، کار با کامپیوتر و غیره). در ساعات پس از مدرسه و یا کار روزمره، بچه‌ها می‌توانند به تفریحات سالم، فعالیت‌های هنری و یا کاردستی بپردازند. یکی از خصوصیات مهم سرپناه "دن بسکو"، مشارکت خود کودکان و نوجوانان در اداره امور سرپناه (از جمله خرید، نظافت و طبخ غذا) است. خدمات دیگری که "دن بسکو" ارائه می‌نماید، عبارتند از: تماس با کودکان در خیابان‌ها، آموزش در خیابان، بازپروری کودکان معناد، اطلاع رسانی در مورد بیماری ایدز و آموزش مددکاری به نوجوانان بزرگتر سرپناه. اولین کوشش‌ها برای مبارزه با کار کودک در فیلیپین عمدتاً محدود به وضع قوانین می‌باشد. اکنون به موجب قانون کار کودکان زیر ۱۵ سال در خارج از خانه و نیز کارهای خطرناک برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است و از کودکانی که به طور قانونی کار می‌کنند، حمایت می‌شود. رویکرد فیلیپین با کار کودک به روشنی نشان می‌دهد که ریشه‌های آن در افکار و اقدامات جامعه مدنی است و نه دولت و اهداف آن بر نیازهای مشخص کودکان تمرکز دارد. این نقطه نظر، کار کودک را فقط آن کاری می‌داند که کودک را در معرض خطر قرار می‌دهد. در نتیجه به طور طبیعی دست به اقداماتی می‌زند تا کودکان را در مقابل خطرات ناشی از کار حمایت نماید، بدون آن‌که لزوماً آن‌ها را از هر گونه کاری بر حذر دارد.

ارزیابی آمار موجود کودکان کار و خیابان

تقریباً غیرممکن است که بتوان تعداد کودکان خیابانی را تخمین زد، زیرا که نرخ سنی و جنسی آنان هم در کشورهای مختلف متفاوت است. حداقل سن در کشورهای درحال توسعه ۸ سال و در کشورهای توسعه یافته ۱۲ سال است. نسبت دختران به پسران خیابانی نیز از ۳۰ درصد در کشورهای درحال توسعه به ۵۰ درصد در کشورهای توسعه یافته متغیر است. بر اساس برآوردها، ۸ تا ۴۰ میلیون کودک کار در امریکا و ۱۰ تا ۳۲ میلیون در برزیل زندگی می‌کنند و در مجموع برابر بررسی‌های انجام شده از سوی سازمان جهانی کار، ۲۴۶ میلیون کودک کار در جهان وجود دارد که یک سوم آنها به قاچاق مواد مخدر و ۱۰۶ میلیون کودک نیز به کارهای سبک مشغولند. برابر آمارها در سال گذشته، در ایران ۳۰۸ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله کار و ۳۷۰ هزار کودک کار فصلی وجود دارد و در مجموع ۷۰۰ هزار کودک زیر ۱۵ سال در کشور فعالیت می‌کنند که تا به امروز افزایش هم یافته اند (موقوفه ای، ۱۳۸۹).

رویکردها به مشکل پدیده کودکان خیابانی

این رویکردها را می‌توان در دو گروه تقسیم بندی کرد، که یکی از آنها رویکردهای پیشگیرانه و دیگری رویکردهای ترمیمی و اصلاحی است. رویکردهای پیشگیرانه در حقیقت دارای برنامه‌هایی برای این کودکان نیستند، بلکه هدف اصلی پیشگیری از تبدیل کودکان در معرض خطر خیابانی شدن به کودک خیابانی است و جمعیت مورد هدف آن کودکان فقیر و خانواده‌های آنهاست، این در حالی است که برنامه‌های ترمیمی مستقیماً کودکان خیابانی را هدف برنامه ریزی خود قرار می‌دهند و برای بهبود وضعیت آنها برای بازگشت به خانواده و جامعه کمک می‌کنند. (وامقی، ۱۳۸۴)

۱- تعریف مفاهیم

به طور واضح نمی‌توان گفت همه کودکانی که در خیابان هستند، بی‌خانمان هستند. اکثریت آن‌ها یعنی تقریباً سه چهارم از این کودکان در کشورهای مختلف در حال توسعه، در خیابان کار می‌کنند؛ اما در خانه زندگی می‌کنند و نان‌آور خانه هستند.

۲-۱ تعریف سازمان ملل متحد

بر اساس تعریف صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، در سال ۱۹۹۷، "کودکان خیابانی به کودکانی اطلاق می‌شوند که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقای خود مجبور به کار یا زندگی هستند. یونیسف حضور و زوگی در خیابان و کار برای ادامه بقا را دو عنصر اساسی شمرده شدن کودکان در زمره ی کودکان خیابانی می‌داند.

۲-۲ تعریف لاسک

در مورد تعریف کودکان خیابانی «لاسک» (۱۹۹۲) ۴ گروه از کودکانی که در خیابان می‌توان دید را تعریف می‌کند. هر گروه ویژگی‌های خود را دارد:

۱-۲-۲ گروه اول کودکان فقیری هستند که شبها به خانه‌شان برمی‌گردند. آن‌ها احتمالاً به مدرسه می‌روند و بزهکار نیستند.

۲-۲-۲ گروه دوم کودکان کارگر خیابانی که نسبتاً مستقل‌اند. پیوندهای آن‌ها با خانه در شرف از هم گسستن است و حضور آن‌ها در مدرسه در حال خاتمه دادن است و بزهکاری آن‌ها دارد شروع می‌شود

۳-۲-۲ گروه سوم کودکان خانواده‌های خیابانی هستند که به همراه خانواده خود در خیابان زندگی و کار می‌کنند. وضعیت آن‌ها با فقر گره خورده است. در هندوستان به آن‌ها «ساکنین پیاده‌رو» گفته می‌شود و در امریکا آنان کودکان خانواده‌های بی‌خانمان هستند.

۴-۲-۲ گروه آخر کودکانی هستند که تماس خود را با خانواده قطع کرده‌اند. آن‌ها تمام وقت خود را در خیابان می‌گذرانند و کودکان خیابانی «واقعی» هستند.

۲-۳ تعاریف دیگر

در تعریف کودکان خیابانی راب بلسیلی (۱۹۹۹) می‌نویسد: کودکان خیابانی بخشی از جمعیت عظیم کودکانی هستند که در فقر شدیدی بسر می‌برند، آنها در تمام دنیا در معرض آسیب قرار دارند و حقوقشان تضییع می‌گردد. با در تعریف دیگری آمده است مجموع کودکانی که به دلیل کمبود یا فقدان نظارت والدین علاقمندی به تحصیل و گذراندن اوقات در منزل ندارند و لاجرم در خیابانها کار و یا زندگی می‌کنند. (اسفنجاری، ۱۳۸۱) جانقلی (۱۳۸۲) آورده است: بطور کلی این کودکان به دو دسته عمده ساکن و مهاجر تقسیم میشوند که گروه مهاجر بیش از ۶۵٪ از آمار کودکان خیابانی تهران را تشکیل می‌دهند.

عدم پیگیری وضعیت کودکان پس از ترخیص از مراکز

از مشکلات جدی مراکز نگهداری کودکان کار و خیابانی ضعف در پیگیری وضعیت کودکان پس از ترخیص از مراکز است. از مجموع ۲۱۸۶ کودکی که در شش ماهه ی اول سال ۱۳۸۲ از مراکز ساماندهی سازمان بهزیستی در کل کشور (به استثناء استان تهران) ترخیص شده اندف تنها وضعیت ۲۰۵ کودک پیگیری شده است. در برخی از استان‌ها (۱۰ استان) به هیچ عنوان پیگیری صورت نگرفته و در بعضی هم بسیار اندک بوده است. به طوری که در استان خراسان از ۲۹۷ کودک

ترخیص شده تنها ۶ مورد پیگیری شده اند. (سازمان بهزیستی، ۱۳۸۲ : ۱۰). این پیگیری، پس از تاسیس پروژه و رسیدن به تاریخ خروج کودکان حتما ضرورت دارد که انجام شود. زیرا عدم انجام آن ممکن است منجر به بازگشت فوری این کودکان به خیابان شده و باعث شود تکرار این چرخه بی سرانجام بماند.

روش تحقیق

در این پژوهش از طریق روش کتابخانه ای برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده، که با توجه به اهداف پژوهش و اهمیت آن پیشنهاد و نظریات نظریه پردازان مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و در نهایت ارائه شده است.

نتیجه گیری

در انتهای این بحث می توان گفت که طراحی فضای اقامتی برای کودکان کار نه تنها باعث پیشرفت این کودکان در زندگی اجتماعی و تحصیلی می شود، بلکه می تواند این کودکان را که به نوعی ناخواسته در این راه قرار گرفته اند را به انسانی مفید برای کشور تبدیل کند. چرا که این مکان حس امنیت را به آنان القا کرده و سبب می شود که میزان قابل توجهی از ترس مورد آزار قرار گرفتن و سختی ها و استرس هایشان را از بین ببرد و تمرکز آنان به روی نقاط مثبت زندگی و شخصیتشان جلب شود. نکته ی مهم در این مسیر، به کارگیری سیاست های بلندمدت پیشگیرانه برای جلوگیری از بوجود آمدن این کودکان و سیاست های کوتاه مدت ترمیمی اصلاحی که همان آموزش و بسترسازی مناسب اجتماعی است و سپس پیگیری های لازم پس از ترخیص آنان.

چیزی که می توان تا حد ممکن برای طراحی این مجتمع شبانه روزی به آن توجه نمود، ادغام آن با سایر عناصر آموزشی، اداری، فرهنگی، تفریحی و ورزشی است که بتواند این پروژه را منحصر به فرد کند. برای داشتن آینده ای رو به پیشرفت برای کودکان کار و فضای شهری سالم و با کیفیت های بصری بالا.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله بر خود لازم می دارم از استاد راهنمای محترم دکتر اردلان افلاکی در دانشگاه غیرانتفاعی آپادانا که مرا در انجام این تحقیق یاری نمودند صمیمانه تشکر نمایم.

منابع

۱. کودکان خیابانی در ایران و جهان (ایسنا)
۲. وامقی، مروئه، کودکان خیابانی ایران و رویکردهای دولتی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹
۳. برینک باربارا، رهنمودهایی در جهت طراحی مراکزی برای کودکان خیابانی، نشر یونیسیف ۱۹۹۷ م
۴. حسینی، سید حسین، (۱۳۸۴)، وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ش ۱۹
۵. شفیعی شیوا، دیدهبان محمد، (۱۳۹۵) بررسی نقش فضای معماری در ایجاد حس امنیت، نمونه موردی فضای اقامتی کودکان کار و خیابان
۶. م. اکبری مطلق، فضا و انواع آن در معماری و شهرسازی، ۲۰۱۴/۰۳/۰۶
۷. میرزایی فرزانه، علایی علی، لزوم طراحی مرکز آموزش کودکان خیابانی در راستای بازگشت به اجتماع (۱۳۹۴)
۸. اخباری سایه، طراحی مجموعه نگهداری کودکان خیابانی با رویکرد معماری انسانی و زمینه گرا
۹. آکسفام، Oxfam، ۱۹۹۹، ۴:
۱۰. جیکوبز، جین، زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا، فصل پانزدهم
۱۱. موقوفه ای، فریبا، کودکان کار و خیابان، چالش ها و راهکارها، کارشناس ارشد جامعه شناسی
۱۲. کنوانسیون بدترین شکل های کار کودکان، ویکی پدیا

۱۳. www.ilo.org

۱۴. www.irdc.ir/۱۳۹۳/۰۸/۰۲

۱۵. UNICEF 1996-2001